**هدف روانشناسی فونکسیونل و فوائد آن**

**اقلیمی، محمد**

روانشناسی فرنکسیونل‏1روانشناسی مخصوص نیست و در این باره هیچگونه سوء تفاهمی‏ نباید موجو دباشد.درست است که روانشناسان علم النفس را باسامی مختلف نامیده‏اند و هر یک از آنان برای بررسی پدیده‏های نفاسانی روشهای مخصوصی اختیار نموده‏اند که اساس آنها بر اصول‏ مختلفی استوار است مانند آتمیستها2گشتالیست‏ها پاراللیست‏ها3بی‏هاویوریست‏ها4 آسوسیانیست‏ها5فرودین‏ها6ادلرین‏ها7و غیره و غیره.ولی روانشناسی در حقیقت یکی است‏ و منظور آن بررسی در نمودهای نفسانی و بدست آوردن قوانین کلی مربوط بآنست.

چنین بنظر میرسد که تنوع روانشناسی‏ها مربیان را تحت تأثی قرار داده است.آنها میگویند: هتر است تا موقعی که بین علمای علم النفس توافق نظر حاصل شود ما همچنان با روشهای کهنهء خود بتربیت اطفال ادامه دهیم تا پس از پیدا شدن توافق قطعی بتوانیم پایه و اساس تعلیم و تربیت نوین را بر اصول مستحکم روانشناسی استوار سازیم.

ولی چگونگی امر از این نظریه‏های عمومی مختلف کاملا بر کنار است چه عملا ممکن است‏ یک طرفدار«بی‏هاویوریست»با یک«پاراللیست»در یک پدیدهء نفسانی،با روش‏های مختلف‏ خود مشغول تحقیق و بررسی گردند در صورتیکه نتیجهء عمل آنها یکی است و عدم توافق از نظر تعبیر و تفسیر پدیده است و چه بسا این نظر ناشی از اختلاف در بیان مطلب است نه در اصول آن.در اینجا لازم است متذکر شویم که این عدم توافق حتی در علوم دقیق مانند ریاضیات نیز دیده میشود. حال از خود سؤال مینمائیم،چون منشاء و مبدء مرض سرطان و طرز مداوا و یا عمل آن کاملا بر پزشکان و جراحان روشن نیست آیا اشخاصی که باین مرض مبتلا هستند بایستی منتظر شوند تا تحقیقات دانشمندان علم طب بنتیجه مثبتی برسد تا آنها بتوانند بمداوای خود ادامه دهند؟همچنین اگر علم فیزیک را در نظر بگیریم معلوم میشود که از سی سال قبل بخصوص پس از کشف رادیو اکتیویته‏8 پیشرفتهای شایانی در این علم شده و هر روز هم دامنهء آن توسعه پیدا می‏کند بطوری که اگر هلمولتز9فیزیک‏دان معروف آلمانی دوباره زنده شود مسائل فیزیکی امروز برای او مفهومی‏ نخواند داشت،ولی آیا این امر میتواند از ارزش کارهای او چیزی بکاهد و یا عقاید نوینی که دربارهء نور بیان میشود میتواند سبب تغییر قانون کلی الکسارنور گردد؟امروز عده‏ای از علمای عالیقدر فیزیک‏ از اصول غیر جبری بودن‏10دفاع می‏کند و عده دیگر برعکس طرفدار اصول جبری بودن‏11 میباشند بنابرانی اختلافی در بین آنان از نظر اصولی پیدا شده است ولی آیا افراد و اشخاص بایستی‏ از نیروی برق و قوه بخار و غیره محروم بمانند تا دانشمندان فیزیک دربارهء اصول جبری بودن و یا نبودن آن با یکدیگر توافق نظر حاصل نمایند؟اگر چنین استدلالی قابل قبول باشد میتوان گفت‏ اصول کلی مکانیک هم مانند اصول علم النفس بادی ناپایدار باشد.

منظور غائی روانشناسی فونکسیونل ان است که نظریه‏ای نزدیک بحقیقت دربارهء هیجانات‏ نفسانی عرضه بدارد و قانونی چند که بدان مربوط باشد جمع‏آوری نماید.

هر پدیدهء نفسانی ممکن است از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد که هر یک بنظر مختلف‏ و یا مسئله مخصوصی که مورد تحقیق است وابسته باشد ولی بجای اینکه این نظرهای مختلف متغایر باشند بعکس همه یکنواخت و متوجه هدف واحدی است که آن عبارتست از شناسائی روش و رفتار و قوانین مربوط بدان.بعقیدهء کلاپارد1این نظرها بر سه نوع‏اند:

1-نظر ساختمانی‏2-این نظر مشابه با نظر«تجزیه‏ای»و یا بعبارت دیگر«تشریحی» است.مانند اینکه:عناصر اولیه حیات فکری کدامند؟-خاصیت چرخ متحرک رفتار چیست؟در علم انفس تحقیق از نظر ساختمان پدیده بمنزلهء مطالعه از نظر«تشریحی»در علم الاعضاء است.مثلا میخواهیم بدانیم در موقع فکر کردن چه فعل وانفعالاتی در مغز پیدا میشود؟حقیقت فکر از چه تشکیل‏ شده است؟احساسات اصلی و ابتدائی کدامند؟اساس تأثر از چه تشکیل شده است؟و امثال اینها. 2-نظر مکانیسم‏3این نظر همان نظر تجزیه‏ای است که درمورد عملیات فکری و رفتار در حین عمل بکار بسته میشود.مثلا:موقعیکه ما یک مسئله ریاضی حل میکنیم چه کیفیتی رخ‏ می‏دهد؟چگونه قسمت‏های مختلف این عمل پشت سر همدیگر پیدا میشوند و لازم و ملزوم یکدیگرند؟ چگونه فرمان فکری اتصال این عملیات را منظم میکند؟و یا آنکه حس چگونه عملیات ادراک را تحت‏ تأثیر قرار میدهد؟

3-نظر فنکسیونل‏4-اهمیت این نظر بیشتر مربوط به نقشی است که بوسیله فعل و انفعالی در حیات نفسانی فرد انحام داده شده است.

ارزش این نمدها برای سازش دادن Organisme فرد با محیط ادی یا اجتماعی خود مورد مطالغه قرار میگیرد.

مثلا میخواهیم بدانیم معنای بازی-تأثر-پافشاری-هیجان-جاه‏طلبی چیست؟ یعنی این پدیده‏های نفسانی بچه نوع از احتیاجات فرد جواب میدهند؟و چگونه میتوانند وسیله سازش‏ فرد با محیط باشند؟در این قسمت بیشتر موضوع بازجوئی انگیزه‏ای رفتار فرد مورد تحقیق است.

ایننظرها که در بالا بدانها اشاره شد با یکدیگر مربوطاند مثلا اگر عملی را در نظر بگیریم‏ مطالع در مکانیسم ان بما نشان میدهد که این عمل چگونه اجرا میشود و تحلیل مکانیسم سبب شناسائی‏ Structure (ساختمان)آن میگردد.

و هر یک از این سه نظر بسؤال جداگانه‏ای جواب میدهد:نظر اول بسؤال چه؟و نظر دوم‏ بسؤال چطور؟و بالاخره نظر فنکوسیونل بسؤال چرا؟پاسخ میدهد.

فواید روانشناسی فونکسیونل

بعقیدهء کلاپارد5در مواردیکه یک پدیده نفسانی را مورد بررسی و تحقیق قرار میدهند بهتر است که آن بررسی را از جنبهء فونکسیونلی انجام دهند.این مسئله مثل آنست که میکرب‏شناسی‏ بخواهد در وضعیت و طرز ساختمان و دیگر کیفیات میکربها بتحقیق بپردازد.انی میکربها را قبل از آنکه در زیر میکرسکوپ بی‏نهایت بزرگ کند ابتدا تا اندازه‏ای بزرگ مینماید که بتواند بوضعیت‏ نسبی و سایز کیفیات آنها من حیث المجموع شناسائی پیدا کند فقط در اینجاست که مطالعهء دقیق‏ ساختمانی شبی‏ء حقیقة مورد استفاده قرار میگیرد.برای روشن شدن مطالب مثالی ذکر میکنیم:

با در نظر گرفتن این موضوع که هوش و ذکاوت در فردی موجود باشد آیا بهتر نیست که از همان اغاز کار با توجه بساختمان و میکانیسم این پدیده‏ها از خود سؤال نمائیم عمل هوش و فهم چیست؟ یا بعبارت ساده‏تری این پدیده،در چه مواردی دخالت نمده و چه احتیاجی را رفع مینماید؟مثال‏ دیگر موضوع خواب است.اگر این کیفیت نفسانی را از جنبه فونکسیونل و از لحاظ فایده‏ای که‏ برای زندگانی دارد مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که این کیفیت روحی یک امر دفاعی را بعهده دارد و البته این دفاع دفاع از پا درآمدن است و اگر می‏خوابیم برای آن نیست که بدن ما مسموم شده است بلکه می‏خوابیم تا از این مسمومیت جلوگیری شود.با بیان این دو مثال گمان میکنم‏ که فایدهء بررسی پدیده از نظر فونکسیونلی تا اندازه‏ای معلوم میشود.

این روش تحقیق در یک پدیده نفسانی راه تازه‏ای برای باز جوئیهای مکانیکی و مسائلی را مورد بحث قرار میدهد که حتی ممکن بود در موارد دیگر اصلا بفکر آنها هم نباشیم مثلا محرک خواب‏ چیست؟و ریشهء زیست‏شناسی این عمل کدام است؟ولی جنبهء فونکسیونل تنها شامل یک سود غیر مستقیم یعنی راهنمائی بازجوئیهای مربوط بطرز ساختمان پدیده‏ای نمیباشد و چون خود مسئله فونکسیونل‏ را که بیشک مفیدترین مسئله زیست‏شناسی و روانشناسی است مورد بحث قرار میدهند بدین جهت‏ بکار بستن آن لازم و ضروری است مثلا وقتی که میگوئیم فلان عمل عملی است که برای زندگی مفید است میخواهیم بدانیم که این عمل از کجا ریشه گرفته و جگونه فلان احتیاج انگیزه انجام دادن فلان‏ عمل شده است که خود موجد ارضاء آن احتیاج میگردد؟\_

جنیه فونکسیونلی برای پزشکان نیز بسیار مفید است زیرا اینها با بکار بستن آن از عمل طبیعت‏ تقلید مینمایند یعنی در موقع بیماری ایجاد یک Abces de Fixation مصنوعی مینمایند تا گلبولهای‏ سفید بتوانند میکربهائی را که در این نقطه تجمع نمده‏اند از بین ببرند.برای مربی هم بی‏فایده نیست که‏ بازی را برای کودک یک پدیده‏ای بداند که برای پرورش او لازم است زیرا در موقع تربیت بدن:مربی‏ میتواند از همان وسائلی که طبیعت برای پرورش بدن بکار می‏بندد استفاده نماید.همچنین است تشخیص‏ مواقعی که فرد احتیاج دارد هوش و ذکاوت خود را بکار بیندازد که مربی با تشخیص این‏گونه مواقع‏ میتواند هوش و ذکاوت کودکان را بکار اندازد یعنی اوضاعی ایجاد کند که فرد مجبور گردد برای رفع‏ احتیاج از هوش و ذکاوت خود استمداد جوید.بطور خلاصه روانشناسی فونکسیونل نمودها را در پرتو (وسیله-هدف)تنظیم مینماید.این روانشناسی با تعیین ارزش فونکسیونلی هر عمل چیزی را که‏ مورد احتیاج است عرضه میدارد و بدرخواستهای آن جواب میدهد.مثال:

میخواهیم کودکی را از نظر روحی تقویت نمائیم در اینصورت از خود سؤال می‏کنیم که آیا برای ریدن بمقصود تکمیل معلومات تا جه اندازه‏ای لازم است.البته تحقیق از نظر ساختمانی نمیتواند بدین سؤال جواب دهد این جنبه فقط میتواند بما نشان دهد که رابطه بزدیکی بین هوش و پایه معلومات‏ موجود است ولی نمیتواند تعیین کند چه رابطه‏ای بین درجه معلومات و هوش موجود میباشد ولی اگر موضوع را از نقطهء نظر فونکسیونل مورد مطالعه قرار دهیم کلیه مشکلات برطرف میگردد در این‏جا از خود چنین سؤال مینمائیم:هوش و ذکاوت بچه درد میخورند و فایدهء معلومات چیست؟البته در جواب خواهیم گفت:اندیشه و هوش برای انظیم کردن عمل است.